روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسؤول: محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پیامرسان: vatanemrooz@ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰
وطن امروز

پیامبر اعظم(ص):
کسی که نماز را از وقتش تأخیر بیندازد، (فردای قیامت) به شفاعت من نخواهد رسید.

به عبارت دیگران

مردی که خون در رگ‌های افسرده جهاد فلسطین دمید

گردآورنده: تقی دژاکام

مجاهد مؤمن و شجاع و متفکر و مخلص، شهید دکتر فتحی‌شقاقی یکی از چهره‌های درخشانی بود که فجر مبارزات اسلامی مردم فلسطین در دهه اخیر را پدید آورد و همه توان و امکان و اکنون جان عزیز خود را بر سر این جهاد مقدس گذاشت.

طلوع خورشید اسلامی از افق مبارزات فلسطین که به ملت مظلوم فلسطین جان تازه‌ای بخشید، در هنگامی آغاز شد که مدعیان دروغین قضیه فلسطین، از بردن نام اسلام در آن عرصه اسلامی محض، بشدت پرهیز می‌کردند و با جدا کردن قضیه فلسطین از اسلام، دانسته و ندانسته آرمان فلسطین را به محو و نابودی می‌کشاندند. و در این هنگام بود که گروهی از جوانان پرشور و با اخلاص و مؤمن و اندیشمند و در رأس آنان شهید عزیز ما دکتر فتحی‌شقاقی با الهام گرفتن از انقلاب اسلامی ایران و با دلی سرشار از عشق و ارادت به امام عظیم‌الشأن راحل، پرچم مبارزات اسلامی را برافراشتند و به‌رغم کوردلان سست‌عنصر و وابسته و به‌رغم رژیم غاصب و به‌رغم آمریکا و سرسپردگانش در منطقه عربی، خون در رگ‌های افسرده جهاد فلسطینی دمیدند و دشمن را که با ساده‌اندیشی و خوش‌خیالی، مجاهدات حق‌طلبانه را پایان‌یافته می‌پنداشت زیر ضربات خود گرفتند.

اکنون آن مجاهد مؤمن و مخلص به شهادت - که آرزوی همه مبارزان خالص و صادق است - نائل آمده است، ولی اینجانب با قاطعیت اعلام می‌کنم که این مرگ سرخ و افتخارآمیز، مایه اشتداد نهضت عظیم اسلامی در فلسطین خواهد شد و مظلومیت او، مظلومان فلسطینی را در مجاهدت فی‌سبیل‌الله، راسخ‌تر خواهد ساخت.

ملت مبارز فلسطین محق است اگر خیانتکاران به آرمان فلسطین را چه آنان که با روسیاهی تمام، خود را فلسطینی می‌شمارند و چه اعراب غیر فلسطینی، شریک جرم سران رژیم صهیونیستی در این جنایت و جنایات مشابه آن در گذشته بشمارد.

بی‌شک این آخرین جرم تروریست‌های غاصب نخواهد بود ولی بی‌شک آن که در نهایت به پیروزی قاطع می‌رسد، جبهه حق ملت مسلمان و مبارز و مظلوم فلسطین خواهد بود.

سیدعلی‌حسینی‌خامنه‌ای
پیام به مناسبت شهادت دکتر فتحی‌شقاقی
۱۳۷۴/۸/۸

***

نگاه شهید فتحی‌شقاقی به انقلاب اسلامی ایران

شهید دکتر فتحی‌شقاقی در مقاله‌ای طولانی با عنوان «امام خمینی فریادگر برائت از صهیونیسم» که به مناسبت نخستین سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ماهنامه «مختار الاسلامی» چاپ قاهره به چاپ رسید، پرسش‌هایی را مطرح کرد؛ از جمله اینکه «آیا این یک اتفاق عادی است که مهم‌ترین و خطیرترین قضیه قرن بیستم مورد توجه و تلاش ابرمرد قرن بیستم [امام خمینی] قرار می‌گیرد یا این یک جدال مقدس و حتمی و بر اساس سنت الهی است؟ آیا تعجب‌آور نیست که این ابرمرد به قضیه فلسطین این همه توجه و اعتبار قائل است و آن را در اولویت اهداف و برنامه‌های خویش قرار می‌دهد، در حالی که ایران و فلسطین چند هزار کیلومتر با یکدیگر فاصله دارند؟»

شقاقی در این مقاله با انتقاد از امضای قرارداد ننگین کمپ‌دیوید میان مصر و رژیم صهیونیستی، می‌گوید: «اگر بن‌گوریون از گورستان بیرون آید و ببیند که یکی از بزرگ‌ترین و نزدیک‌ترین و تهدیدکننده‌ترین کشورهای عرب به اسرائیل [مصر]، نخستین کشوری است که اسرائیل را به رسمیت شناخته و پرچم ستاره داوود را بر فراز قاهره پایتخت «فخرالدوله فاطمی» به اهتزاز درآورده، چه اندازه خرسند و شگفت‌زده خواهد شد؟ این در حالی است که ایران اسلامی که تا دیروز، طبق دکترین بن‌گوریون، یکی از عمده‌ترین محورهای پیرامون اسرائیل قرار داشت، امروز به تنها کشوری در جهان تبدیل شده که هم از نظر رسمی و هم از نظر مردمی، خواهان ریشه‌کنی این غده سرطانی است و در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای دعوت به نابودی اسرائیل می‌کند. اگر بن‌گوریون بداند که سفارت اسرائیل در تهران که یکی از بزرگ‌ترین سفارتخانه‌های این رژیم در جهان به شمار می‌رفت، به نخستین سفارت فلسطین در یکی از بزرگ ترین پایتخت‌های کشورهای دنیا تبدیل شده است، تا چه اندازه وحشت‌زده و نگران خواهد بود؟»

حسن خامه‌یار
شهیدفتحی‌شقاقی کیست؟
(چاپ اول، تهران: نشر شاهد، ۱۳۸۶)
صفحات ۶۲ تا ۶۵

***

روح بزرگ آزادیخواهان

آنچه مردم را وا می‌دارد تا مشت‌شان را به آسمان برافرازند، تفنگ در دست بگیرند و آنان را وا می‌دارد تا برای آرمان‌های عدالت‌خواهانه و غیرعادلانه مبارزه کنند، «خرد» نیست، بلکه یک روح بزرگ شده است و این سوختی است که بدون آن موتور تاریخ از حرکت باز می‌ماند.

میلان کوندرا
جاودانگی
انتشارات امیرکبیر
صفحه ۲۷۷

نگاهی به فیلم «استیو»
و چالش‌هایی که با زبان نمادین در ساختار قدرت انگلیس نمایش می‌دهد

بحران اقتدار در بریتانیا

میلاد جلیل‌زاده

سال ۱۹۹۶، استیو یک مرد میانسال که مضطرب و آشفته است اما تعهد پرشوری به کارش دارد، به عنوان مسؤول یک مدرسه شبانه‌روزی پسران نوجوان بزهکار، به همراه معاون مدرسه، درمانگر مدرسه و یک معلم جدید، مثل همیشه باید نظم را وسط این آشوب دائمی حفظ کنند اما در یک پنجشنبه وحشتناک، یک گروه خبری از تلویزیون محلی برای فیلمبرداری از مدرسه به آنجا می‌آیند و همزمان نماینده مجلس محلی هم از راه می‌رسد و اتفاقات دیگری هم می‌افتد که همه چیز را پیچیده‌تر می‌کند. پسران آن مدرسه ترکیب ترسناکی از انرژی و شوخ‌طبعی بی‌رحمانه و پرخاشگری هستند و خود استیو که باید همه اینها را مدیریت کند، ناخواسته رگه‌هایی از شبیه شدن به آنها را بروز می‌دهد. «تیم میلنتس» کارگردان تلویزیونی اهل بلژیک که سال ۲۰۲۴ فیلم «چیزهای کوچکی مثل این» را به تهیه‌کنندگی و با بازی کیلیان مورفی جلوی دوربین برده بود، امسال با اقتباسی از رمان کوتاهی به اسم «خجالتی» که ۲ سال پیش منتشر شد، دوباره با کیلیان مورفی همکاری کرد و اسم این فیلم «استیو» بود. رمان «مکس پورتر» از زاویه دید یکی از شاگردان مدرسه روایت می‌شد اما فیلم تیم میلنتس بیشتر از پرسپکتیو مدیر مدرسه به ماجرا نگاه کرده و کار اقتباس سینمایی از این رمان را هم خود نویسنده رمان انجام داده است. غیر از کیلیان مورفی، تریسی اولمن، جی لیکورگو، سیمبی آجیکاوا و امیلی واتسون هم در این فیلم بازی کرده‌اند. «استیو» نخستین نمایش جهانی خود را در بخش جایزه پلتفرم جشنواره تورنتو سال ۲۰۲۵ تجربه کرد و ۱۹ سپتامبر، اکران محدودی در چند سینمای منتخب بریتانیا و آمریکا داشت. مدتی بعد، این فیلم از ۳ اکتبر به شکل جهانی از نتفلیکس منتشر شد؛ یعنی ۱۱ مهرماه امسال. به طور کل می‌توان گفت نظر منتقدان درباره فیلم بد نبود و در مجموع ۷۷ درصد از ۸۸ نقدی که وب‌سایت «راتن‌تومیتوز» برای این فیلم جمع‌آوری کرده مثبت بودند. متاکریتیک هم بر اساس نظر ۲۵ منتقد، امتیاز ۶۵ درصد را به این فیلم داده است.

اینکه در سال ۲۰۲۵ یک فیلم دبیرستانی مربوط به حدود ۲ دهه قبل روایت شود، در مرحله اول ایده‌ای به نظر نمی‌رسد که هر ذهنی بخواهد سراغ آن برود. اکثر فیلمسازان ممکن است تصور کنند می‌توانند به همین امروز بیایند و مشکلات نوجوانان امروزی را زیر ذره‌بین ببرند اما این ایده که یک دبیرستان در ۲۰ سال پیش کانون روایت قرار بگیرد، یعنی دوره‌ای که موبایل و اینترنت و باقی ابزارهای عصر دیجیتال به این شکل وجود ندارند، نشان می‌دهد ایده‌هایی فراتر از یک آسیب‌شناسی کلیشه‌ای در پس این انتخاب قرار داشته‌اند و همین‌هاست که فیلمی مثل استیو را برای بررسی و تحلیل، تبدیل به اثر مهمی می‌کند. در ادامه به بررسی این فیلم و زیر لایه‌های معنایی آن و نشانه‌شناسی فلسفی و اجتماعی‌اش اشاره‌هایی شده است. همچنین مقایسه‌ای بین این فیلم و بعضی آثار دیگر که آنها هم محیط مدرسه را جایگاهی نمادین برای بیان حرف‌های دیگر قرار داده بودند شده است.

■ **مدرسه؛ نمادی از خشونت نهادی در بریتانیا**

همین که اسم شخصیت اصلی فیلم را برخلاف رمان منبع اقتباس آن «استیو» گذاشته‌اند، یعنی این شخصیت نماد تمام چیزی است که فیلمساز با تمرکز و تاکید روی آن، می‌خواسته بگوید و جهان او همه آن جهانی است که قرار بوده خلق شود. استیو در مرکز فیلم، نماد تنش میان نظم و آشوب است. او مردی میانسال، متعهد اما آشفته است که در محیطی پرتنش و خشونت‌بار، باید نقش ستون اخلاقی و مدیریتی را ایفا کند. اما با پیشرفت داستان، نشانه‌هایی از همذات‌پنداری با خشونت و پرخاشگری شاگردان در او ظاهر می‌شود.

لایه‌های شخصیتی استیو عبارتند از:

تعهد حرفه‌ای: او به‌شدت به کارش وفادار است، حتی وقتی شرایط از کنترل خارج می‌شود.

آسیب‌پذیری روانی: اضطراب و آشفتگی درونی‌اش به‌تدریج به سطح می‌آید، بویژه در مواجهه با بحران‌های بیرونی.

همذات‌پنداری با خشونت: در تلاش برای کنترل خشونت، خودش نیز به آن نزدیک می‌شود؛ گویی مرز میان نظم‌دهنده و آشوبگر در حال محو شدن است.

تنهایی مدیریتی: با وجود حضور معاون، درمانگر و معلم جدید، بار اصلی تصمیم‌گیری و مسؤولیت بر دوش اوست.

رمان «خجالتی» از زاویه دید یکی از شاگردان روایت می‌شد؛ یعنی تمرکز بر تجربه زیسته نوجوانی بزهکار در دل این مدرسه بود. اما فیلم «استیو» با تغییر پرسپکتیو، ماجرا را از دید مدیر مدرسه روایت می‌کند. این تغییر زاویه دید، تأثیرات مهمی بر تماتیک اثر گذاشته است. تغییر زاویه دید از نوجوان به مدیر، باعث شده فیلم به جای روایت قربانی، به روایت مسؤول بپردازد. این جابه‌جایی چند پیامد مهم دارد. اول اینکه از تجربه فردی به ساختار قدرت می‌رود و تمرکز را روی آن می‌برد. به عبارتی فیلم به جای تمرکز بر روان نوجوان، ساختار مدرسه و فشارهای نهادی را بررسی می‌کند. دوم اینکه از درون‌گرایی به کنش بیرونی می‌رود. یعنی در حالی که رمان بیشتر درونی و ذهنی است، فیلم بر کنش‌های بیرونی و تعاملات اجتماعی تمرکز دارد و تاثیر سوم حرکت از شرم به مسؤولیت است. در رمان، شرم و هویت نوجوان محور است؛ در فیلم، مسؤولیت اخلاقی و مدیریتی استیو در مرکز قرار دارد.

استیو نماد وفاداری به ساختار است اما این وفاداری به قیمت فرسایش روانی‌اش تمام می‌شود. اضطراب، شک و ترس از شکست، در رفتارهای او موج می‌زند. در لحظات بحرانی، استیو همان خشونتی را بروز می‌دهد که قرار بوده کنترل کند. کیلیان مورفی با بازی‌ای درونی، کنترل‌شده و پرتنش، موفق می‌شود لایه‌های پیچیده این شخصیت را به تصویر بکشد. نگاه‌های سنگین، سکوت‌های طولانی و تغییر تدریجی رفتار، همگی نشان‌دهنده فروپاشی تدریجی نظم درونی او هستند.

در سکانسی از فیلم او در حالی که کلافه است اما باید تا حد امکان آرام باشد و بقیه کارها را نظم بدهد، به دفتر مدرسه می‌رود و این را می‌شنود که برای فیزیوتراپی باید دراز بکشد. زاویه‌های دوربین در این صحنه‌ها به قدری خلاقانه و حتی زیبا یک آشفتگی و دگرگونی را نشان می‌دهند که به هیچ‌وجه در قالب کلمات نمی‌توان آنها را ریخت و تنها باید این صحنه‌ها را دید. این واژگونی و معوج بودن که ژستی به‌شدت هنجارمند هم دارد، بسیار شبیه به ساختار قدرت در جوامع مختلف از جمله بریتانیاست. برای اینکه دقیق‌تر موضوع را بفهمیم، می‌توانیم به این دقت کنیم که این مرد مسؤول چه چیزی است و کجا این مسؤولیت را پیاده می‌کند. میشل فوکو در کتاب «نظارت و تنبیه» (Discipline and Punish) مدرسه را یکی از نهادهای کلیدی در بازتولید قدرت و انضباط در جوامع مدرن می‌داند. از نظر او، مدرسه مانند زندان، بیمارستان و پادگان، فضایی است که در آن بدن‌ها و رفتارها تحت نظارت قرار می‌گیرند تا اطاعت و نظم درونی شود.

در بسیاری از عناصر روایی فیلم، این نگاه فوکویی به وضوح قابل مشاهده است. به طور مثال:

نظارت دائمی: حضور دوربین‌های تلویزیونی، نگاه نماینده مجلس و حتی نگاه خود استیو به شاگردان، همگی نشان‌دهنده نظارت چندلایه‌اند.

تنبیه و پاداش: رفتارهای شاگردان دائماً در معرض ارزیابی‌اند؛ تنبیه‌های روانی و کلامی جای تنبیه‌های فیزیکی را گرفته‌اند.

ساختار سلسله‌مراتبی: از مدیر تا معاون، درمانگر و معلم جدید، هر کدام بخشی از زنجیره قدرتند که نظم را حفظ می‌کنند.

فشار نهادی: استیو باید هم رضایت رسانه را جلب کند، هم نماینده مجلس را راضی نگه دارد و هم نظم مدرسه را حفظ کند.

فروپاشی اخلاقی: در لحظه‌ای بحرانی، استیو رفتاری خشونت‌آمیز از خود نشان می‌دهد؛ گویی نظم، او را به همان چیزی تبدیل کرده که قرار بوده مهار کند.

فیلم نشان می‌دهد که خشونت در مدرسه فقط از شاگردان نیست، بلکه در خود ساختار مدیریتی، قوانین و حتی نگاه رسانه‌ای و سیاسی نفوذ کرده است. استیو، به عنوان مدیر، نه‌تنها با خشونت شاگردان مواجه است، بلکه خود نیز قربانی آن خشونت ساختاری است که باید اجرا کند. این بویژه برای کسانی که تا حدودی اخبار سیاسی بریتانیا را دنبال کرده باشند و بعضی شخصیت‌های فعال در این عرصه را در آن کشور بشناسند و یا حتی کسانی که آثار تلویزیونی این کشور که نگاه درونی بیشتری دارند را دنبال کرده باشند، کاملا روشن است که استیو شباهت زیادی به تیپ قالبی و جاافتاده‌ای از سیاستمداران بریتانیا دارد.

■ **رادیکالیسم کنایی**

یکی از مسائلی که در بررسی فیلمی مثل «استیو» و ارتباط آن با موضوع قدرت ممکن است به ذهن برسد، اکنونیت و دلالت زمانی این طرح بحث است. اگر نکته یا نقدی که در یک اثر بیان می‌شود، بیش از حد فراتر از هر زمان و هر زمین و به طور کل هر مصداقی باشد، آنگاه دامنه کلی‌گویی به قدری فراخ خواهد شد که محصول را کاملا بی‌معنا می‌کند. استیو فیلمی است که با بردن روایتش به ۲ دهه پیش یعنی دوره قبل از دیجیتالیسم و اینترنت، موضوع نقد خود را ریشه‌ای‌تر و رادیکال‌تر مطرح کرده اما به هر حال یک روایت امروزی از این نقد قدیمی به ساختار قدرت در بریتانیاست. برای درک درست این موضوع ظریف می‌توان «استیو» را با فیلم «اگر» مقایسه کرد که هر ۲ بنیان‌هایی شبیه به هم دارند اما در ۲ زمان مختلف ساخته شده‌اند و تفاوت‌هایی هم بین‌شان هست. اگر... (If) یک فیلم درام و کمدی بریتانیایی به کارگردانی لیندسی اندرسن است که سال ۱۹۶۸ منتشر شد. از بازیگران می‌توان به مالکوم مک‌داول، کریس چیتل و مونا واشبورن اشاره کرد. این فیلم که طنزی از زندگی مدارس دولتی انگلیسی است، گروهی از دانش‌آموزان را دنبال می‌کند که در یک مدرسه شبانه‌روزی پسرانه شورش وحشیانه‌ای را برپا می‌کنند. این فیلم در زمان اکران خود با دریافت گواهی X برای نمایش خشونت، موضوع بحث و جدل بود.

تفاوت‌ها عمدتا در این هستند که در «اگر...»، دانش‌آموزان علیه ساختار مدرسه شورش می‌کنند اما در «استیو»، مدیر مدرسه قربانی همان ساختار می‌شود و اینکه «اگر...» با سبک سوررئال، خشونت را به‌صورت نمادین و انقلابی تصویر می‌کند اما «استیو» با واقع‌گرایی، خشونت را درونی، روانی و تدریجی می‌سازد. در «استیو»، تنش‌ها بیشتر روان‌شناختی و اخلاقی‌اند اما هر ۲ اثر نشان می‌دهند که مدرسه، بازتابی از جامعه بیرونی است. این ۲ فیلم شباهت‌های بیشتری هم به هم دارند و مهم‌ترین‌شان این است که هر ۲ اثر، مدرسه را نه فضای یادگیری، بلکه میدان نبرد قدرت و کنترل می‌دانند. یک فیلم دیگر که قیاس آن به فهم موقعیت فیلم استیو بهتر کمک می‌کند، فیلم «کلاس» ساخته لوران کانته محصول ۲۰۰۸ میلادی است؛ فیلمی که کارگردانش می‌گفت آن را تحت تأثیر سینمای عباس کیارستمی ساخته است؛ هرچند منبع اقتباس این فیلم یک رمان فرانسوی به همین نام از فرانسوا بگودو بود. داستان در یک کلاس درس فرانسوی اتفاق می‌افتد که تازه ترم پاییزی را شروع کرده‌اند. معلم کلاس شخصیتی است که می‌خواهد کلاس را با دموکراسی کامل بگرداند و حرفی از نژادپرستی و این گونه صحبت‌ها به وسط نکشد. «کلاس» اما با سبک نیمه‌مستند و بازیگران غیرحرفه‌ای، فضای یک کلاس درس واقعی را بازسازی می‌کند. تمرکز آن بر تعاملات فرهنگی و آموزشی میان معلم و دانش‌آموزان مهاجر است و از زاویه دید معلم روایت می‌شود. در حالی که «استیو» بیشتر به بحران اقتدار، خشونت نهادی و شباهت قربانی و ناظر می‌پردازد و شخصیت اصلی به مرور شبیه همان دانش‌آموزانی می‌شود که باید کنترل‌شان کند، «کلاس» بر دموکراسی آموزشی، تنش‌های فرهنگی و چالش‌های تربیتی تمرکز دارد. معلم تلاش می‌کند با گفت‌وگو و احترام، کلاس را اداره کند اما با مقاومت‌های اجتماعی و شخصی روبه‌رو می‌شود.

اگر «کلاس» را بتوان تلاشی برای بازنمایی آموزش در یک جامعه چندفرهنگی اروپایی (یعنی فرانسه) دانست، «استیو» درامی روان‌شناختی درباره فروپاشی اقتدار در نهادهای اصلاحی است. هر ۲ فیلم در محیط‌های آموزشی روایت می‌شوند اما یکی به درون شخصیت‌ها نفوذ می‌کند و دیگری، یعنی استیو، ساختارهای اجتماعی و فرهنگی را به چالش می‌کشد. به عبارتی کلاس مثل اکثر فیلم‌های فرانسوی در ستایش فرهنگ فرانسه که ادغام‌کننده تمام فرهنگ‌های دیگر است ساخته شده اما استیو علنا به چالش با ساختارها می‌پردازد و مسأله‌اش قیاس این کشور با آن کشور و برتری دادن به یکی نسبت به دیگری نیست.

بازگشت داعش؟

نگاه

ادامه از صفحه اول

صحنه سیاسی حاکم بر سوریه در طول یک سال اخیر و پس از سقوط حکومت بشار اسد، آبستن بحران‌های متعددی بوده است. در این میان مداخله شماری از قدرت‌های منطقه‌ای در موازنه قوا در شامات، بیش از پیش عرصه را برای رشد و نمو تکفیری‌های داعش در سوریه مهیا کرده است.

در این نوشتار به مهم‌ترین متغیرهای موثر و زمینه‌ساز در تقویت داعش در سوریه می‌پردازیم.

■ **تشدید گمانه‌زنی‌ها پیرامون نزاع میان تحریر شام با یگان‌های مدافع خلق**

از شبه‌نظامیان کرد سوری موسوم به یگان‌های مدافع (شاخه سوری پ‌ک‌ک) مستقر در شرق رود فرات که هم‌اکنون یک‌سوم خاک سوریه را در اشغال خود دارند، به عنوان بزرگ‌ترین رقیب داخلی تحریر شام نام برده می‌شود. بر خلاف توافق دهم مارس ۲۰۲۵ میان «مظلوم کوبانی» رهبر این شبه‌نظامیان با «احمد الشرع» حاکم دمشق جهت ادغام یگان‌های مدافع خلق در ارتش سوریه، تحویل گذرگاه‌های مرزی به نیروهای تحریر شام و تشکیل حکومتی واحد در سوریه، نیروهای کرد در طول ماه‌های اخیر از انجام تعهدات خویش سر باز زده‌اند؛ امری که بر دامنه گمانه‌زنی‌ها درباره وقوع نزاعی جدید در شمال سوریه افزوده است. رویارویی‌های اخیر در منبج و محلات شیخ مقصود و اشرفیه حلب میان طرفین بستر مساعدی را برای دور جدیدی از تنش‌های خونین در سوریه فراهم کرده است. شبه‌نظامیان کرد از زمان تاسیس نیروهای سوریه دموکراتیک در سال ۲۰۱۵، نقش بسزایی در مقابله با داعش در جنگ داخلی سوریه ایفا کرده و با غلبه بر تکفیری‌ها رقه، پایتخت خلافت خودخوانده بغدادی را به تصرف خویش درآورده‌اند. نیروهای کرد از آن مقطع با تاسیس حکومتی خودمختار به نام «رژووا»، در مسیر آمال خویش مبنی بر جدایی از سوریه شتافته و پس از سیطره تحریر شام بر دمشق، بر ضرورت تاسیس حکومتی فدرال در سوریه پای فشرده‌اند. مظلوم کوبانی و صالح مسلم، رهبران این گروه صراحتا از تمایل خویش برای ایجاد حکومتی خودمختار مشابه اقلیم کردستان عراق پرده‌برداری کرده‌اند. تشدید تنش‌ها میان ۲ بازیگر کلیدی سوریه، فرصت مناسبی را برای سلفی‌های داعش در این کشور فراهم خواهد کرد. بخش اعظم جنگجویان داعشی و خانواده‌های‌شان در طول یک دهه اخیر در اسارت شبه‌نظامیان کرد قرار داشته‌اند. استنکاف دولت‌های غرب و منطقه از پذیرش اتباع داعشی خود، وضعیت هزاران تکفیری مستقر در رژووا را به کلافی سردرگم مبدل کرده است. به گفته منابع کرد، تنها در اردوگاه الهول بیش از ۳۷ هزار خانواده داعشی به سر می‌برند.

رهبران کرد در خلال سالیان اخیر نسبت به تحرکات احتمالی داعش جهت آزادسازی عناصر زندانی هشدار داده‌اند. اکنون با تشدید تنش‌ها بیم آن می‌رود که شبه‌نظامیان یگان‌های مدافع خلق جهت اعمال فشار بر تحریر شام بویژه پس از کاهش امیدها نسبت به حمایت ایالات متحده از کردها، اقدام به آزادی عامدانه آنان کنند. جدا از مساله یادشده، وقوع نزاع فراگیر در ۲ سوی فرات، موجب سر برآوردن تروریست‌های داعشی از صحرا و ایفای نقش فعال آنان در معادلات حاکم بر سوریه خواهد شد. به گفته ناظران منطقه، جنگجویان داعش در طول ماه‌های اخیر در مناطق بیابانی همجوار با مرزهای سوریه و عراق یارگیری و تجدید قوا کرده و بر میزان تحرکات مسلحانه خویش به نحو چشمگیری افزوده‌اند.

■ **تقابل محور اخوانی با رژیم صهیونیستی**

از حزب عدالت و توسعه ترکیه به رهبری اردوغان به عنوان شاخه ترکی اخوان‌المسلمین نام برده می‌شود. دکترین نوعثمانی‌گری اردوغان، موجب شده دولت آنکارا به بزرگ‌ترین حامی جریان اخوانی در منطقه مبدل شود. اغلب شبه‌نظامیان تحریر شام از منظر ایدئولوژیک یا پیشینه به نزدیکی فکری به جریان اخوان‌المسلمین شهره‌اند. قدرت‌گیری جریان‌های اخوانی در سوریه، لیبی، ترکیه، قطر و نوار غزه با نگرانی فزاینده‌ای از سوی محافل صهیونیستی دنبال می‌شود. به زعم استراتژیست‌های اسرائیلی، با سقوط حکومت اسد در سوریه، محور اخوانی به رهبری اردوغان در پی پر کردن خلأ ناشی از محور مقاومت در شامات است؛ از همین رو بلافاصله پس از سقوط اسد، ارتش صهیونیستی ضمن اشغال ارتفاعات جبل‌الشیخ سوریه و نقض معاهده ترک مخاصمه ۱۹۷۴، مکررا اقدام به بمباران مواضع تحریر شام کرده است. صحنه سیاسی سوریه در طول یک سال اخیر، شاهد رویارویی آنکارا و رژیم تل‌آویو بوده است. ارتش صهیونیستی با ورود مستقیم به منازعه تحریر شام با دروزها اقدام به تسلیح شبه‌نظامیان دروز مستقر در سویدا کرده و جهت ایجاد منطقه حائل و افزایش عمق استراتژیک این رژیم در مسیر تجزیه مناطق دروزنشین سوریه گام برداشته است.

در جبهه شمال نیز کردها از دیرباز بر مبنای دکترین پیرامونی بن‌گوریون، موسس رژیم صهیونیستی در زمره متحدان بلافصل صهیونیست‌ها قرار داشته‌اند. رهبران تل‌آویو بر آنند با راه‌اندازی کریدور داوود، زمینه اتصال مناطق دروزنشین سوریه به اکراد را مهیا کرده و در راستای فشار بر دولت‌های ترکیه، عراق و ایران، زمینه تجزیه مناطق کردنشین سوریه و تشکیل دولت رژووا را رقم بزنند. از زمان شکل‌گیری جمهوری ترکیه در ۱۹۲۳، حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک) به رهبری عبدالله اوجالان در قامت بزرگ‌ترین خصم آنکارا ظاهر شده است. شبه‌نظامیان یگان‌های مدافع خلق (پ‌ی‌د) خود را شاخه سوری «پ‌ک‌ک» دانسته و به اندیشه‌های اوجالان وفادارند. از همین رو قدرت‌گیری کردها در شمال سوریه و همجواری آنان با مناطق کردنشین ترکیه، تهدیدی حیاتی برای اردوغان و تمامیت ارضی ترکیه به حساب خواهد آمد. قابل تصور است ارتش ترکیه در طول هفته‌های آتی همزمان با نیروهای تحریر شام و دیگر گروه‌های شبه‌نظامی نزدیک به ترکیه، حملاتی سنگینی را جهت شکست کردها در دستور کار قرار دهند. بروز بحران در شمال سوریه و محذوریت‌های ارتش صهیونیستی جهت مشارکت تمام‌قد در این درگیری به دلیل فاصله جغرافیایی و امتناع از رویارویی مستقیم با ترکیه به عنوان عضوی از ناتو، احتمالا صهیونیست‌ها را به سوی تشویق دیگر اقلیت‌های سوری جهت سرنگون کردن حکومت تحریر شام یا جدایی از حکومت سوریه واحد سوق خواهد داد. در چنین بستری قابل تصور است ارتش صهیونیستی جهت تضعیف تحریر شام به حمایت غیرمستقیم از تکفیری‌های داعش رو آورد. آنچنان که پیش‌تر به آن پرداختیم، رشد و نمو جریان‌های تکفیری عمدتا محصول بی‌ثباتی در یک منطقه و حمایت دولت‌های خارجی است.

شایان ذکر است رقابت تل‌آویو با آنکارا در مقطع کنونی محدود به سوریه نمانده و مقامات صهیونیست کرارا اعلام کرده‌اند مانع ایفای نقش سیاسی یا مشارکت نظامی ترکیه در قالب نیروهای امنیتی چندملیتی در نوار غزه پس از انعقاد آتش‌بس در این باریکه خواهند شد.

■ **بافت متکثر سوریه و حکومت خودکامه تحریر شام**

از جامعه سوریه به دلیل حضور اقلیت‌های قومی - مذهبی آشوری، مارونی، ارمنی، دروز، علوی، شیعی، ترکمن و کرد به عنوان یکی از متنوع‌ترین جوامع منطقه نام برده می‌شود. قرائت متصلب و فرقه‌گرایانه تحریر شام از حکمرانی توأمان با سیاست‌های سختگیرانه اتخاذشده از سوی این گروهک و بروز جنایت‌های شنیعی چون کشتار علویان در بانیاس، طرطوس و لاذقیه موجب شده تمایلات گریز از مرکز و میل به خروج از سیطره تحریر شام در میان اغلب اقلیت‌های قومی - مذهبی سوریه تشدید شود.

در سطح داخلی نیز از زمان تسلط بر دمشق، کانون‌های بحران در درون ائتلاف‌های همپیمان تحریر شام شدت گرفته است. گروه‌هایی چون جیش‌الاسلام و احرار شام نسبت به زیاده‌خواهی‌های اطرافیان جولانی معترض بوده و ارتش ملی سوریه (SNA) با یکصد هزار شبه‌نظامی مستقر در شمال غرب سوریه، کاملا مستقل از حکومت دمشق بوده و تحت امر مستقیم ترکیه به مقابله با میلیشیای کرد مشغول است. شبه‌نظامیان عشایر نیز نسبت به سیاست‌های دولت دمشق در قبال دروز با نگرانی می‌نگرند. مهم‌ترین وجه ماجرا به تشدید شکاف‌ها میان شرع و شماری از تکنوکرات‌های اطراف وی با گروه‌های تندرو و شبه‌نظامیان خارجی عضو ائتلاف بازمی‌گردد. شرع به واشنگتن و بروکسل وعده داده در اسرع وقت اقدام به انحلال شبه‌نظامیان خارجی کرده و از اجرای قرائتی تند از مذهب در سطح جامعه پرهیز کند. اهمیت موضوع یادشده از ۲ جنبه به توان بازیگری داعش در سوریه کمک شایانی خواهد کرد. تشدید درگیری‌های داخلی میان متحدان تحریر شام یا بروز نزاع با اقلیت‌های سوری، از یک سو بیش از پیش توان نظامی تحریر شام را تحلیل برده و فضا را برای جولان تکفیری‌های داعش باز خواهد کرد و از سوی دیگر به موازات ناخرسندی جهادیون افراطی و شبه‌نظامیان خارجی از رهبری شرع، زمینه خروج آنان از دولت و پیوستن به صفوف داعش را مهیا خواهد کرد. بر مبنای داده‌های منتشره از سوی سازمان‌های امنیتی، هزاران جنگجوی چچنی، اویغور، داغستانی، تاجیک، ازبک و... در قالب گردان‌های وابسته به تحریر شام به ایفای نقش می‌پردازند و جدایی آنان از دولت دمشق و پیوستن احتمالی به داعش، موازنه قوا را در شامات کاملا دگرگون خواهد کرد.